

در گفت‌وگو با دکتر مسعود نادری

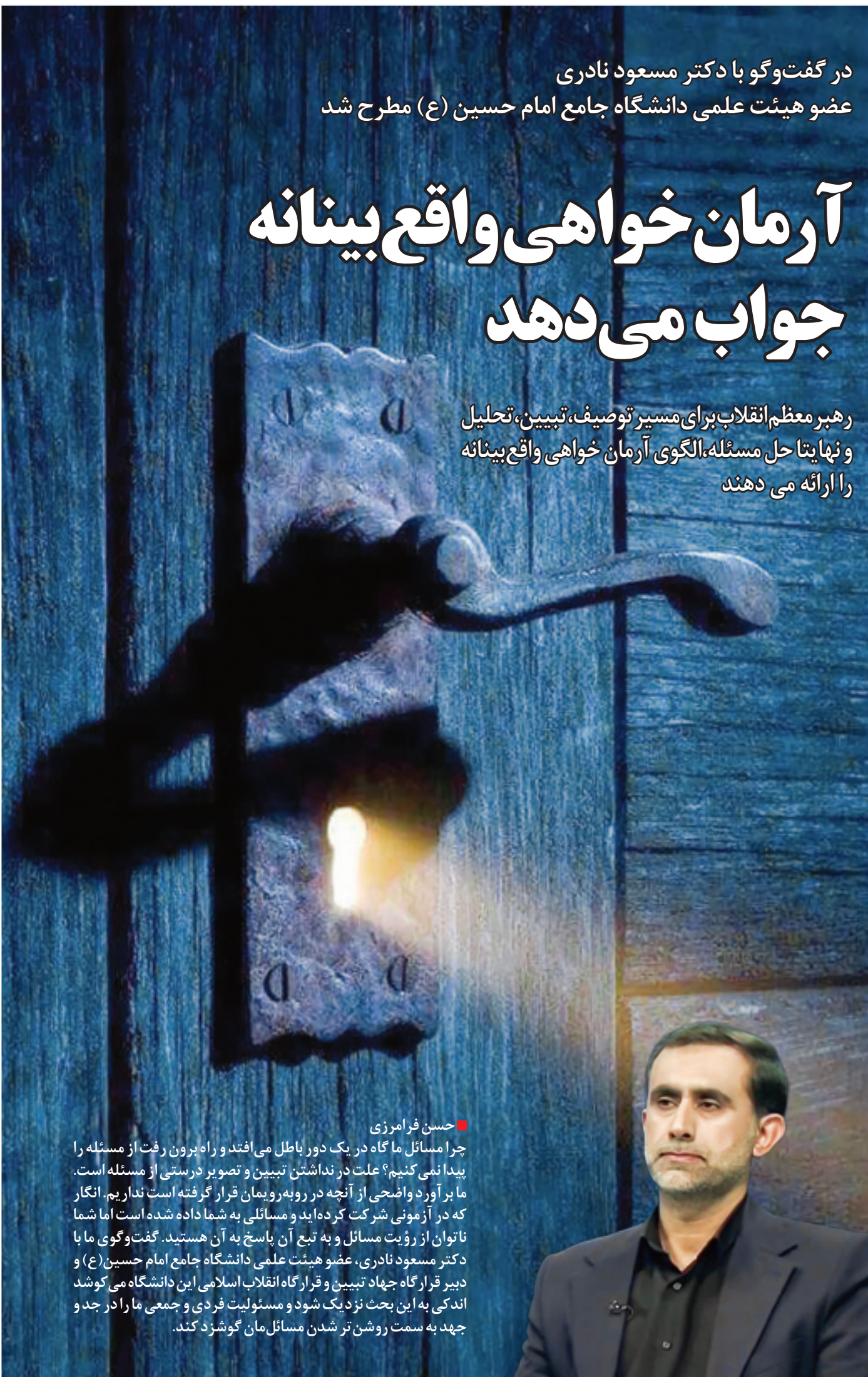
عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع) مطرح شد

آرمان خواهی واقع بینانه جواب می‌دهد

رهبر معظم انقلاب برای مسیر توصیف، تبیین، تحلیل

و نهایتاً حل مسئله، الگوی آرمان خواهی واقع بینانه

را ارائه می‌دهند



حسن فرامرزی

چرا مسائل ما گاه در یک دور باطل می‌افتد و راه‌برون رفت از مسئله را پیدا نمی‌کنیم؟ علت در نداشتن تبیین و تصویر درستی از مسئله است، ما بر آورد واضحی از آنچه در روبه‌رویمان قرار گرفته است نداریم. انکار که در آزمون‌شیرکت کرده‌اید و مسائلی به شما داده شده است اما شما ناتوان از رؤیت مسائل و به تبع آن پاسخ به آن هستید. گفت‌وگوی ما با دکتر مسعود نادری، عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع) و دبیر قرارگاه جهاد تبیین و قرارگاه انقلاب اسلامی این دانشگاه می‌گوشد اندکی به این بحث نزدیک شود و مسئولیت فردی و جمعی ما را در جدو جهد به سمت روشن تر شدن مسائل مان گوشزد کند.

رسول (ص) و ائمه هدی و امیرالمؤمنین (ع) انجام می‌دادند همین روشنگری و تبلیغ و پاسخ به سؤالات و ابهامات بود و اینکه ذهن مسلمانان و جامعه انسانی به مرکز جولان و کشت و زرع دشمن درنیاید و تصرف نشود و از نیروی خود ما علیه ما استفاده نشود. نمی‌دانم ورزش‌های رزمی را دیده‌اید یا نه، گاهی ورزشکار از نیروی حریف برای غلبه بر او استفاده می‌کند.

بنابراین در چنین مصافی ما راهی نداریم جز اینکه توجه‌مان به ظرفیت‌های درونی‌مان باشد. علما، روحانیون و طلاب عزیز ما طی قرن‌ها کارشان همین بوده است. اصلاً اساس کار دین، تبیین است. یکی از کلیدواژه‌هایی که درباره قرآن به کار می‌برند بیان است. الان هم که هزاران دستگاه رسانه‌ای برای انحراف افکار عمومی تلاش می‌کنند و برخی از آنها هم موفق شده‌اند.

قابل انکار نیست که ما در میانه یک جنگ رسانه‌ای قرار داریم. رویکرد جهاد تبیین در این میدان چیست؟ جنگ رسانه‌ای از اجزای مهم تهاجم ترکیبی دشمن است که امروزه علیه ما استفاده می‌شود و توأمانی جنگ ترکیبی و جنگ شناختی



اولین گام ما در مواجهه با مسائل، توصیف، تبیین و تحلیل است تا بتوانیم راهکار واقعی ارائه کنیم. شما چطور می‌توانید مسئله‌تان را حل کنید بدون آن که بر آورد دقیقی از آن داشته باشید. رهبر معظم انقلاب در پاسخ به این پرسش که با چه الگویی جلو برویم؟ می‌فرمایند: «آرمان خواهی واقع بینانه» که هم آرمانش با ایده‌آلیسم غربی متفاوت است هم واقع بینی‌اش با رئالیسم آنها

گفت‌وگو

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۵۲۳۰



ما با یاد واقعیت‌های کشور را آن طور که هست به جوان‌مان بگوئیم. مسئله ما این است که واقعیت را آنگونه که هست بازنمایی نمی‌کنیم. اگر مخاطب جوان ما واقعیت دشمن و درون‌مایه منطق او را بدون آن روتوش‌ها و از سویی موقفیت‌های جمهوری اسلامی و دستاوردهایش را ببیند و بداند امید در دل جوان ما زنده خواهد شد. امروز هر کس که امید را در دل جوان ما بکشد آن آدم را کشته‌است

ضعف‌ها و ریشه ناکارآمدی‌ها – از تباطی وجود دارد؟

قطعاً این طور است. ما در این باره دچار آشفتنگی هستیم و اصلاً معنا و محتوای تبیین برایشان کامل واضح نیست و نمی‌دانیم که چه موضوعاتی نیازمند تبیین هستند، اگر این قضیه بر ما روشن بود ذهن این جوان به تصرف دشمن در نمی‌آمد. حالا همه جوان‌های ما این طور نیستند اما بخش عمده‌ای گرفتار بازی دشمن شده‌اند.

چه بازی‌ای؟

این که غرب را مدینه فاضله بی‌نقصی می‌پندارند و اتفاقاً می‌روند و دچار سرخوردگی هم می‌شوند. شما بازخوردهایش را به وفور در رسانه‌ها می‌بینید که فرد بعد از مهاجرت احساس پشیمانی شدید می‌کند. چند وقت پیش یکی از این سلب‌ریتی‌ها علناً در همین شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد بعد از مهاجرت دچار افسردگی شدید شده است. اساساً وقتی بن مایه‌های فکری و ذهنی این جوان و این فرد جامعه به سمت حریف، رقیب و دشمن متمایل شده به طور طبیعی انگار مهره اوست، اما اگر آن جوان آرام واقف به هویت خودش، به نقش خودش و به اهمیت خودش شود و احساس عزت نفس کند این آدم هیچ وقت راضی نمی‌شود مملکت خود را رها کند و جای دیگری برود.

خب چه کنیم این اتفاق بیفتد؟

مبانی نظام و اصول اعتقادی و قانون اساسی، جامعیت اسلام و جمهوری اسلامی، اندیشه امام و حضرت آقا و اندیشه مقاومت و هویت و جوهره آرمان‌ها و ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب کاملاً باید بیان و نقش جمهوری اسلامی در دوره گذار برای جوان ما تبیین شود. وقتی جوان ما خالی از هویت باشد آن وقت اسطوره‌هایش را کجا جست‌وجو می‌کند؟ در فیلم‌های هالیوودی و انیمه‌های ژاپنی و فیلم‌های فلان کشور. البته در این میان مشکلات اقتصادی بار و غباری بر پیشرفت‌های بسیار زیاد کشور شده است.

شما می‌گویید مشکلات اقتصادی غباری روی پیشرفت واحتمالاً به تبع آن بر بحث تبیین است. چه کنیم غباردایی اتفاق بیفتد؟

ما باید واقعیت‌های کشور را آن طور که هست به جوان‌مان بگوئیم. مسئله ما این است که واقعیت را آنگونه که هست بازنمایی نمی‌کنیم. اگر مخاطب جوان ما واقعیت دشمن و درون‌مایه منطق او را بدون آن روتوش‌ها و از سویی موقفیت‌های جمهوری اسلامی و دستاوردهایش را ببیند و بداند امید در دل جوان ما زنده خواهد شد. امروز هر کس که امید را در دل جوان ما بکشد آن آدم را کشته است. اِنَّهٔ لَا یَنۡبَیۡتُ مِنْ رَّوۡحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوۡمُ الْکَافِرُوۡنَ. واقعیت آن است که ما با یاد واقعیت‌ها از تبیین کنیم، ضعف ما در این زمینه است. نظر اسلام درباره حقوق زن چیست. ما خوب در این زمینه کار نکرده‌ایم، بنابراین درباره موضوع حجاب این همه دروغ گفته‌اند.

مسئولیت فردی و جمعی ما در تحقق اهداف جهاد تبیین چیست؟ منظورم این است که کدام اشخاص و نهادها در این باره مسئول هستند و چگونه می‌توانند به مسئولیت خود عمل کنند؟

اولاً ببینید در بحث فردی آقا فرمودند قطعی و فوری است. واجب تأخیری نیست که به گردن کس دیگری بیندازید. این یعنی این نوع جهاد مسئولیت همه ماست. گر به دمی یا درمی یا قلمی یا قدمی. البته همچنان که آیه شریفه قرآن تصریح می‌کند به اندازه وسع فردی واجب است. شما رسانه هستید و این جهاد به یک معنا برای شما موضوعیت پیدا می‌کند. ما معلم یا استاد هستیم و جمع مخاطبی داریم که گوش شنوایی دارند و می‌خواهند حرف‌های ما را بشنوند. ما هم به همان اندازه تکلیف داریم. ببینید ما به عنوان فرد مسلمان شیعه که در این کشور زندگی می‌کنیم مسئولیتی داریم که خود را و دیگران را از فذارات، کثیفی‌ها و پلشتی‌ها مصون نگه داریم، از این زاویه جلوه‌ات جهاد تبیین امر به معروف و نهی از منکر است و الگوی ما هم انبیا، اولیا، صلحا، شهدا و به ویژه ائمه هدی (ع) و روحانیت اصیل، حضرت امام، مقام معظم رهبری و امثال شهید مطهری و شهید بهشتی. می‌خواهم بگویم اگر ما می‌خواهیم به کارآیی در این باره برسیم به ویژه در بحث مدیریت فردی، موضوعات در جهاد تبیین از یکسو و روش‌ها از سویی دیگر باید کاملاً برای فرد تبیین گر شفاف باشد، اما درباره مسئولیت نهادها در این باره باید عرض کنم عمده مسئولانی که در دولت هستند، نخبگان و روحانیت ما، اساتید دانشگاه‌ها، معلمان، علما و مبلغان، دانشجوها و جوان‌هایی که احساس تکلیف می‌کنند، بسیجیان، شاعران، هنرمندان، صدا و سیما و مجلس و ائمه جمعه و جماعات و مداحان و رسانه‌ها صادق‌قویبان از جهاد تبیین هستند. خب آیا این مجموعه کامل به وظایف خود عمل کرده‌اند. به نظر من! کما اینکه یکی از مصادیق این کم کاری، بحث حجاب و عفاف است. شما می‌دانید ما در کلان موضوعات فرهنگی ۲۳ تایی و اندی نهاد در کشور داریم که نوعی در این باره مسئولیت دارند، نهادهای زیادی در این باره مسئول هستند، اما میان این دستگاه‌ها و نهادهای هماهنگی وجود ندارد. اگر فوکوس و تمرکز کنیم روی یک دستگاه ممکن است خود آن دستگاه گزارشی هم ارائه کند اما هم‌افزایی و هماهنگی میان دستگاه‌ها در این میان بسیار مهم و کلیدی است.

گاه ما رویکردهای غیر واقع بینانه و هیجانی به چشم‌اندازهای درست و کارآمد داشته‌ایم. جهاد تبیین، تذکارتی صحیح و واقع بینانه است اما چطور می‌توان با رویکردی علمی و کارشناسی آن را در جهت درست عملیاتی کرد؟

آن چیزی که درست است این است که اولین گام ما در مواجهه با مسائل، توصیف و تبیین و تحلیل است تا بتوانیم راهکار واقعی ارائه کنیم. شما چطور می‌توانید مسئله‌تان را حل کنید بدون آن که بر آورد دقیقی از آن داشته باشید. رهبر معظم انقلاب در پاسخ به این پرسش که چه الگویی جلو برویم؟ می‌فرمایند: «آرمان خواهی واقع بینانه» که هم آرمانش با ایده‌آلیسم غربی متفاوت است هم واقع بینی‌اش با رئالیسم آنها، چون آن تبیین اجازه حرکت را از انسان سلب می‌کند. می‌گوید همین را بپذیرد، توصیه‌اش هم همین نظم امریکامحور کنونی در دنیاست، در حالی که انقلاب ما این را نشان داده که ما یک نظم جدید بر خلاف آن نظم امریکامحور و اتفاقاً در این میان پیچ تاریخی هستیم.

پس اگر واقع بینی را حذف و دوز آرمان را زیاد کنید قطعاً نمی‌توانید به اهداف‌تان برسید و آن ابزاری که با خودتان دارید کفاف اهداف‌تان را نمی‌دهد. همین طور برعکس. اتفاقاً اینجا کاملاً باید نگاه علمی

وجود داشته باشد، یعنی اگر شما مثلاً می‌خواهید چشم‌اندازی جلوی چشم جوان‌تان طراحی کنید نمی‌توانید کاملاً خیالی، آرمانی و بوتوبیایی باشد. خیر این طور نیست. رویکرد ما کاملاً باید واقع بینانه باشد.

مثال می‌زنید؟

به عنوان مثال شما اگر بگویید خیر هیچ فسادی وجود ندارد ملت می‌گویند بیا و وضع تورم و نقدینگی و سفره ما این است، معلوم است که شما را پس می‌زنند. اگر خاطراتان باشد حضرت آقا ۱۴ خرداد امسال در حرم حضرت امام فرمودند دلم برای رئیسی سوخت که برخی رسانه‌ها دیدند ایشان خوب کار کرد و زحمت کشید ولی انکار یا پنهان کردند. آقا گفتند شهید رئیسی خیلی زحمت کشید و زیرساختی کار کرد و داشت عقبه ضعیف را جبران می‌کرد. با این حال آقا فرمودند شما دو ضعف دارید. آن کارهای زیربنایی که در اقتصاد می‌کنید در سفره مردم ظاهر نشود و دوم اینکه رسانه و تبلیغات به پای شما نمی‌رسد و واقعاً جا مانده است. پس ما باید با رویکردی علمی، کارشناسی و دقیق جلو برویم و اگر با جوان صحبت می‌کنیم باید به او آمار و نمودار نشان دهیم. رویکرد درست این است که آنچه را در کشور اتفاق افتاده به شکل ملموس بیان و نقاط قوت و ضعف را در کنار هم طرح کنید. در این صورت است که مخاطب از شما خواهد پذیرفت. پس این مشی همراه با واقع بینی باشد و نباید آلوده به جهت‌های خیالی و شعاری باشد. اساساً ما نیاز به خیال و شعار نداریم. همین که واقعیت‌ها را طرح کنیم، همین که درست روایت کنیم کافی است. برادر یکی از دوستان ما دانشجوست. می‌گفت ذهنیت برادر من خیلی با دیدگاه‌های رسمی در کشور فاصله دارد. می‌گفت خیلی ناراضی بود و بر این باور بود که در مملکت هیچ کاری اتفاق نیفتاده است. او را برای بازدید به پالایشگاه خلیج فارس می‌برند. وقتی برگشته بود حیرت زده بود و می‌گفت مهندسان ما چه کار بزرگی کرده‌اند. این یعنی اگر پیشرفت‌ها به صورت ملموس جلوی چشم جوان ما قرار بگیرد او خواهد پذیرفت.

جناب‌عالی ظاهراً در دانشگاه امام حسین (ع) مسئولیتی در راستای موضوع مورد بحث ما دارید. از تلاش‌هایی که در این باره در دانشگاه انجام گرفته است و احیاناً نتایج و بازخوردها بفرمایید.

بنده عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین و دبیر قرارگاه جهاد تبیین و قرارگاه انقلاب اسلامی هستم. وظیفه ما با نگاهی به نقش دانشگاه تنظیم می‌شود. ما برای افراد تحت پوشش‌مان یعنی اساتید، دانشجویان، کارمندان و خانواده‌هایشان موضوع تبیین و روشنگری را در دستور کار داریم. می‌دانید که الحمدلله دانشگاه در این سال‌ها موفقیت‌های خوبی کسب کرد. در سال ۱۴۰۲ دانشگاه جامع امام حسین طبق رتبه‌بندی ISC رتبه دوم کشور را پس از دانشگاه تهران به دست آورد و این موفقیت مسئولیت دانشگاه را در این باره دو چندان می‌کند. چون اینجا قله دانشی سیاه است و نقش این دانشگاه در مجموعه نیروهای مسلح تک است. از طرفی اساتدان سرمایه این وجهه و مشخصه علمی و جهادی هستند. اساتدان بر این قله ایستاده‌اند و دانشگاه تراز اسلامی را می‌سازند. این باعث می‌شود دانشگاه جامع امام حسین (ع) اساتدان خود را در این نقش ببیند و به نوعی رده‌های دیگر سپاه، بسیج، نیروهای مسلح و خیلی از دانشگاه‌ها از این جهت‌گیری الگو بگیرند. ما آمادگی داریم نقش روشنگری، آموزش دهی و رویکرد علمی و تربیتی را نسبت به مجموعه‌های همکارمان در دانشگاه‌های دیگر پیاده کنیم و این کار را هم کرده‌ایم و جلسات متعدد و مشترک در این باره برگزار شده است. ما با خیلی از معلمان و دانش‌آموزان ارتباط داریم و آموزش‌هایمان را در قالب روایت پیشرفت و جهاد تبیین اجرا کرده‌ایم.

به عنوان کسی که احتمالاً چندین سال در گیر موضوع جهاد تبیین بوده‌اید بفرمایید چرا توفیقات رسانه‌های ما به ویژه صدا و سیما در ایسن باره اندک است؟ چرا رسانه‌های ما در نشان دادن وبه‌وضوح رساندن مسائل ما و ایجاد یک فضای هم‌افزا کامیابی چندانی نداشته‌اند؟ نمی‌توان صفر و صدی نگاه کرد. تردیدی نیست هنوز صدا و سیما با همه فراز و نشیب‌ها مر جعیت دارد. در همین موضوع انتخابات صدا و سیما عملکرد قابل قبولی داشت. البته مخاطب کم شده است اما در ایام انتخابات همین کلیپ‌های صدا و سیما بود که در فضای مجازی پخش می‌شد. می‌خواهم بگویم بازارسال‌ها در share در فضای مجازی نشان می‌دهد که صدا و سیما همچنان تأثیرگذاری دارد. البته می‌پذیریم که مخاطب کم شده است.

چرا کم شده است؟ چون دافقه جوان ما تغییر کرده است، بقیه رسانه‌های ما هم همین طور. قابل انکار نیست که تغییر سبک زندگی روی داده است. ببینید کوچ مخاطب از رسانه‌های رسمی به رسانه‌های غیر رسمی و آمدن تلفن‌های همراه هوشمند باعث شده است دافقه جوان‌ها و نسل زد تغییر کند. دسترس پذیری افراد جامعه ما به ویژه زنان و مردان در سنین مختلف به گوشی که تمام ابزارهای فرد را در بعد اطلاع رسانی و رسانه‌ای بر آورده می‌کند آثار و تبعاتی دارد. می‌بینید فرد دارد عکاسی می‌کند و واقعهای را گزارش می‌دهد. خب رسانه جدید، جای توزیع‌یون را گرفته است. تبلیغات، ماهواره‌ها و فشارهایی که وجود دارد قابل انکار نیست. آثار تبلیغات و جنگ شناختی و ادراکی دشمن را می‌توان به وضوح دید. به هر حال موج رسانه‌ای علیه رسانه ملی وجود دارد به‌علاوه تحریرهای خارجی‌ها مؤثر بوده است. اما اینکه چرا رسانه‌های ما در نشان دادن وبه‌وضوح رساندن مسائل ما و ایجاد یک فضای هم‌افزا کامیابی چندانی ندارند می‌گویم یا ما توازن را در سطح اجتماع نداشتیم! ایجاد کنیم! الان این توازن هست یا نه؟ این توازن به هم خورده است. شما در سه «کلان ـموضوع» سیاست، فرهنگ و اقتصاد نگاه کنید. وقتی در بخش اقتصاد لنگ بریزید و در بخش تعامل مردم و حاکمیت مشکل داشته باشید معلوم است چه می‌شود. رسانه‌ای که بازنمایی می‌کند می‌تواند آن ضعف‌ها را جبران کند؟ البته رسانه می‌تواند کانون‌های شکل‌گیری و تشدید بحران را شناسایی و از بروز بحران جلوگیری کند. اما اگر از همین علوم انسانی بد و ناپای استفاده شود از بمب اتمی بدتر خواهد بود. با این همه اگر بازتاب واقعیت‌ها در رسانه و مطالبه‌گری باشد، کامیابی حاصل خواهد شد. اگر ما حاکمیت را یک باکس و طیف فرض کنیم و مردم را از طرف دیگر در نظر بگیریم اینجا رسانه‌های ما به مثابه پلی دوسویه و انتقال دهنده می‌توانند بین جامعه و حاکمیت نقش افرینی کنند. این نقش رسانه است که بر مدار اتصال حرکت کند و نه انفعال. کار رسانه این است که فاصله‌ها را کم کند اینکه شکاف و نثار و دودستگی ایجاد کند. رسانه وسط است. شما وقتی به همین کشورهای غربی نگاه می‌کنید می‌بینید رسانه‌های آنها و خبرنگاران شان اول از همه متناق می‌ای امری زمانبر است اما به هر حال باید از یک جایی شروع کرد. البته برخی از رسانه‌ها این کار را هم اکنون انجام می‌دهند اما اگر به صورت جریان و شبکه باشد می‌تواند کمک کند شکاف‌ها عمیق‌تر نشود و در گام بعد به سمت ترمیم شکاف‌ها برویم.